

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۱۰/۰۸/۲۷

خواهش دوستانه:

از متصدیان و ویراستاران پورتال با عظمت "افغانستان آزاد-آزادافغانستان" صمیمانه تقاضا می نمایم، تا گذشته از ویراستاری های املائی، به ترکیب جمله بندی ها، کاربرد کلمات و داستانهائیکه در این سلسله نوشته ها به کار می برم، با گذشت برخورد نموده آنها را با قیچی سانسور مثله نسانند. زیرا به علاوه آنکه کلمات در اینجا حیثیت مواد و مهمات جنگی را بین من و سفارت دولت دست نشانده دارد و این حد اعلاى ظلم و بی مروتی خواهد بود، که در جریان جنگ مهمات از کسی گرفته شود؛ خوانندگان و علاقه مندان نوشته های من، همان را می پسندند که با زبان خودم و کلمات خودم نوشته شده باشد.

با احترام

هستی

## به جواب چوکره های سفارت کرزی در واشنگتن

۲

برای آن عده از دوستانیکه از جریان قضیه بین من و سفارت دولت دست نشانده کرزی در واشنگتن، اطلاع ندارند باید به عرض برسانم که چندی قبل یک تن از دوستان و طرفداران "ماهنامه طنزی بینام" چند قطعه عکس را به غرض چاپ فرستاد. چون عکسها را که پرده از راز یک شب نشینی در درون تعمیر سفارت افغانستان در واشنگتن برمی داشت و همه آنها، فساد و بی بندوباری نمایندگان "جمهوری اسلامی افغانستان" به نمایش می گذاشت، جالب یافتم و نشر ماهنامه هم به این زودی به نسبت مریضی ام متصور نیست، به غرض نشر نخست به آدرس پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" و بعداً برای سایت "آریائی" فرستادم که خوشبختانه هر دوشهریه آنها به نشر رسانیده من را منت دار خویش گردانیدند- شما می توانید آن عکسها را در پورتال افغانستان آزاد- بخش سیاسی – تاریخ ۱۰/۰۸/۱۶ زیر عنوان "قحط الرجال..." از نظر بگذرانید.

درست یک هفته بعد از آن تاریخ یعنی به تاریخ ۱۰/۰۸/۲۳ یک ایمیل از یکی از کارکنان آن سفارت به نام غفوری دریافت داشتم که در آن به علاوه بدو بیراه گفتن به من و دفاع از سفیر دولت دست نشانده تهدید هائی نیز نموده بود.

این فرد که گویا نمی دانست با آن تهدید ها زخم چرکین سفارت را به وسیله من بیشتر خواهد زد، هرچند بعد از جواب من تا هنوز دهن باز نکرده، مگر از آنجائی که در یکی دوسایت دیگر که خود نیز از قماش "آدم فروشان قرن بیست" به شمار می آیند و ننگ فروش ناموس صد ها "بدریه و ملیحه" را بردامن دارند، بر من تاخت و تاز هائی صورت گرفته و حتا حرکت افشاء گرانه من را با فعالیت استعمار در زمان اعلیحضرت "امان الله شاه" نیز قرینه سازی کردند، لازم دانستم تا این زخم چرکین را دوباره بیشتر کاری نموده و نگذارم خون آن بند آید. اینکه طرفداران جناب سفیر و افعاً طرفدار وی هستند و یا می خواهند جنازه شغلی اش را به وسیله من تا قبرستان سایر خاینان و قوادان بفرستند، ارتباط می گیرد به برخورد عاقلانه خودشان. ورنه از همین امشب با نشر عکس های دیگری از آن محفل و با تبصره های لازم به خدمت ایشان و حمایت گران احمق شان ادامه خواهم داد.

در همین جا باید بیفزایم که من این کار را به حیث وظیفه دینی و ملی خود انجام می دهم و با آنکه هیچ گاهی در نوشته هایم از آیات و احادیث استمداد نمی جویم و می گذارم مردم حرفم با منطق خودم محک بزنند نه به زور آیت و یا حدیث، در اینجا برای دعوت دیگران به شرکت در چنین افشاء گری ها تکه ای از اساسات اسلام را می نگارم باشد باعث تشویق دیگران نیز گردد:

"یاد کنید فاجر را به همان فعل بدی که دارد، تا مردم از او برحذر باشند" – اذکر الفاجر بما فیه لکی یحذرو الناس-  
چوکره سفیر در بخشی از نامه اش چنین نوشته است:

**"متأسفانه بوسیله افراد مغرض و مشکوک وسیله افترا و اتهام، خدشه به اتحاد وحدت افغانها و حملات شخصی و نشر تصاویر جعلی و خلاف حقیقت بر علیه سفارت افغانستان، سفیر افغانستان و خانواده او قرار گرفته است تقاضا میشود که این مطالب خلاف قانون و اخلاق را از وب سایت تان بردارید. درحالیکه این بهتان کاملاً مخالف قانون و اخلاق افغانی و اسلامی است، و مورد تعقیب قانونی قرار می گیرد،"**

خوانندگان عزیز قبل از آنکه راجع به این چند جمله تبصره نمایم، اول این داستان را برایتان می نویسم تا مانند همیشه با دهن پر خنده به خواندن بحث ادامه داده بتوانید.

"گویند یکی از روز ها یک تن از افراد قریه که خانه اش سرد بود و می خواست اندکی خود را گرم نماید، زودتر از وقت معمول به طرف مسجد به راه افتاد—شما خو ضرب المثل مسجدگرم و گدا آسوده را می دانید—وقتی به مسجد رسید درب آنرا از داخل بسته دید، فکر کرد حتماً ملا صاحب و یا طالب مبارکش از تنهایی ترسیده و درب را بسته اند تا خدای نخواستہ دزدی و یا شاید هم جنی داخل مسجد نگردد، به همین منظور بعد از چند بار اینطرف و آنطرف مسجد را نگاه کردن، با هزار زحمت خود را به پشت کلکینچه مسجد که از دود زیاد به مشکل می شد از آنجا چیزی را دید رسانیده و خواست با پاک کردن آن شیشه های دود گرفته با سرآستین کرتی، به داخل نظر اندازد کلکینچه که درست بسته نشده بود قبل از آن که شیشه اش پاک شود خودش باز شده و بیچاره نماز خوان، دید آنچه را که خدا هیچ مؤمن و مسلمان را نشان ندهد.

نماز خوان که به مانند تمام مردم بیچاره ما احترام خاصی برای مسجد به مثابه خدا قایل بود، و قتی ملا را سوار بر طالب و در جریان فعل لواط آنها در خانه خدا دید، طاقت نیاورده با صدای بلند به ملا دشنام داده گفت:

"تف لانت خدا سرتو کتی از ای کارت"

وقتی ملا رو را برگرداند و چشمش به نماز خوان افتاد، بدون آنکه خود را ببازد و یا به کارش خاتمه دهد، پا پر روئی تمام گفت:

"یادت باشد ای لعنتی، که تو در مسجد تف نموده ای. اکنون کار دارم و وقتی کارم تمام شد، در مسجد تف کردن را یادت می دهم"

با در نظر داشت این داستان حال به این عکسها خوب نگاه کنید و بعداً خود قضاوت کنید که کار من خلاف اسلامیت و افغانیت ست یا از جناب سفیر صاحب و چوکره اش.

منی که تنها عکسهای افتضاح آمیز را به نشر رسانیدم ویا جناب سفیر و چوکره اش که در داخل سفارت "جمهوری اسلامی افغانستان" جمهوری اسلامی که علمایش از کیسه مردم فتوای سنگسار، بریدن دست و پا و تطبیق شرع اسلامی را شعار می دهند، جمهوری اسلامی که دولتش می خواهد به خاطر خوشنودی "امیر المؤمنین ملامحمد عمر" ۱۵ میلیون زن افغان را دست بسته تسلیم جهالت قرون وسطائی نماید، تا مگر بیرق اسلامی اش همیشه در اهتزاز باشد.



قسمتی از عکسهای جدید را که آنزمان به نشر رسانیدم و همه سند انکار ناپذیر از شرابخواری و فساد است در داخل سفارت "جمهوری اسلامی افغانستان"، در صفحه بعد نظر اندازید و منتظر نشر سلسله عکسهای افتضاح آمیز تر باشید. نترسید داخل گناه نمی شوید، بدن های نیمه برهنه اسلامی اسلامی اند. یادم رفت بنویسم افغانی و اسلامی، یعنی هم بسم الله بالای شان گفته شده و هم با سرود ملی ساخت "جهانی" رقص نموده اند. در عکسهای بعدی ختم مجلس و عکسهای خصوصی تقدیم می گردد.



#### یادداشت:

با عرض سلام خدمت آقای "هستی" و آرزوی صحت کامل برایشان، باید به متذکر گردیم که در هر جنگی سلاح های متعارف و غیر متعارف وجود دارد. می توانند مطمئن باشند که ما هیچ گاهی سلاح متعارف ایشان و یا سایر همکاران را از دست شان نخواهیم گرفت. اگر کدام جایی می بیند که ویراستاران پورتال به گفته جنابشان، از "قیچی سانسور" استفاده می نمایند، آنها چنان تصمیمی را به ناگزیری و از روی اجبار اتخاذ می نمایند. امید است شما خود حین نوشتن مقالات همیشه این نکته را به خاطر داشته باشید تا دوستان ویراستار مجبور به استفاده از "قیچی سانسور" نگردند.

همان طوریکه مشاهده می نمائید، ویراستاران پورتال نوشته شما را با عالی ترین شکل ممکن ویراستاری و تقدیم دوستان نوشته هایتان نموده اند، امیدواریم رضایت خاطر شما برآورده شده باشد.

با کمال محبت

اداره پورتال AA-AA